

علل ظهور و افول سربداران

شاهین امیرشقاقی^۱

چکیده

ظهور دولتی مردمی با شیوه و ایدئولوژی منحصر به فرد، از مهم‌ترین حادثه‌های تاریخی خراسان به شمار می‌آید، سربداران، مردمانی صوفی مسلک و اثنا عشری بودند که در سال ۷۳۶ قمری به پیروی از تعلیم شیخ حسن جوری علیه ظلم و جور حاکمان محلی و بازماندگان دولت ایل خانی برخاستند. سربداران با توجه به اعتقاد و مذهبی که داشتند، چه در آغاز قیام و چه در زمانی که به حکومت رسیدند، در صدد احیای ارزش‌ها و معارف مذهب تشیع همچون شهادت طلبی و ظلم ستیزی در قیام حسینی، مهدویت و انتظار فرج بودند، ترویج این ارزش‌ها در جامعه نه تنها در شکل‌گیری قیام و تداوم حکومت سربداران موثر بود، بلکه به نوعی در ترویج مذهب تشیع در جامعه اسلامی نیز نقش داشت. روشن است، شهرسازی و ایجاد آبادانی در رونق و افزایش قدرت اقتصادی که از عوامل گسترش تمدن است، تاثیر بسزایی دارد. از این روست که می‌توان اقدامات عمرانی سربداران در بازسازی و توسعه شهرهای خراسان را از عوامل گسترش و پیشرفت تمدن در این منطقه دانست، به ویژه اینکه توجه ویژه دولت به شهرهای شیعه‌نشین سبب گسترش تشیع نیز شد.

واژگان کلیدی: سربداران، شهرسازی، تمدن، آبادانی، تشیع، ارزش‌ها

۱. دانشگاه جامع علمی کاربردی

مقدمه

نهضت سربداران سمرقند مصادف با آغاز کار تیمور گورکانی و اغتشاشات سیاسی بود که سراسر ماوراءالنهر را فراگرفته بود. تیمور هنوز پایه‌های حکومت و امارت را مستحکم نکرده بود که مصادف با نهضت سربداران گردید. رهبر نهضت سربداران سمرقند دانشمندی بود به نام مولانازاده بخاری یا بخارایی که علیه ستم فراوان مغولان شورید و مدتی حکومت راند. این قسمت، مبارزه‌ای بود علیه مغولان و رفتار وحشیانه‌ترین مالیاتی و ظلم و ستم حکام. امیر توغلق (تغلق) حاکم کاشغر چندین بار ماوراءالنهر را مورد تاخت و تاز قرار داده و شهرها را به یغما و غارت می‌برد. در همین زمان، امیر تیمور و امیر حسین که همراه و همگام در امور حکومت بودند به دفع امیر توغلق شتافتند ولی کاری از پیش نبرده، شکست خورده و مراجعت نمودند. سمرقند بار دیگر در حیطه تصرف توغلق قرار گرفت. لشگرکشیهای نابجای امیران ماوراءالنهر که خرابی اقتصادی هم در پی داشت، سمرقندیان را به ستوه آورده بود. در همین هنگام، مردی آزاده و خردمند به نام مولانازاده بخاری علم طغیان بر افراشت و مردم را در مسجد گرد آورده و گفت: ای مسلمانان! اکنون کفار، روزگار بر ما سیاه کرده و امان نمی‌دهند. و دیر یا زود پیروز خواهند شد و جان و مال همه در اختیار آنان خواهد بود، باید علیه مغولان دست به قیام مسلحانه بزنیم. معین‌الدین نطنزی در منتخب التواریخ سخنرانی مولانازاده را در مسجد جامع سمرقند بسیار جالب توصیف نموده است: «کار عجزه و عوام بی‌وجود کسی که متضمن امور عالم شود و شغل سربداری به گردن گیرد کجا معاش و میسر شود؟ خاصه امروز که اختلالی چنین به حال عالمیان روی نموده و مالک اصلی ملک در مدت امن باج و خراج تصرف کرد و امروز که دشمن قوی روی نمود رعیت بیچاره را بی‌خداوند گذاشته، سلامت خود اختیار کرد. چون بلیه این چنین صعب روی نمود و باران حوادث و طوفان ابتلا پیدا کرد روا نباشد که کافران جزیه مسلمان بخورند و پوشیده رویان دار العصمت اسلام را به برده ببرند. پس فکری کلی در این باب کردن واجب است. در جمیع ادیان مبرهن و بر همه عالمیان روشن است که جهاد و دفع اذیت از خود کردن و غم صلاح مسلمانان خوردن همچون ادای نماز پنجگانه و روزه ماه رمضان فرض است». (نطنزی، بی تا: ۲۲۸)

پیشینه پژوهش

جنبش سربداران در ۷۳۳ ق، در روستای باشتین از توابع بیهق، شکل گرفت (فصیح، ۱۳۳۹: ۵۲/۳؛ ابوالفدا، ۱۳۴۹: ۵۰۹-۵۱۰). بیهق یکی از مراکز شیعیان روزگار خود بود (بیهقی، ۱۳۶۱: ۵۵-۵۴؛ مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۴۹؛ یاقوت حموی، ۱۹۵۵: ۵۳۸/۱). شیخ خلیفه مقتدای معنوی سربداران به بیهق مهاجرت کرد تا در میان مردم بیهق، علایق شیعی خود را ترویج کند (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۷۸/۱؛ خواند میر، ۱۳۸۰: ۳۵۸/۳-۳۵۹). او برخلاف دیگر بزرگان صوفیه عصر، از پیوند دین و دولت و به تعبیر دیگر از «حدیث دنیا» سخن گفت (میرخواند، ۱۳۳۹: ۶۰۵/۵). در پی گروش مردم به او، دیری نپایید که محبوبیت شیخ، حسادت متعصبین را تا بدانجا می‌برانگیخت که حتی پی‌گیر حکم قتلش از ابوسعید ایلخان شدند. امتناع ابوسعید از پذیرش این خواسته، موجب شد که دشمنان شیخ، او را شبانه بردار کردند، و در انظار جلوه دادند که گویی شیخ خودکشی کرده است (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۷۸/۱-۷۹). در پی این اتفاق، پیروان شیخ خلیفه به شاگرد ارشد او، یعنی شیخ حسن جوری، اقتدا کرده و نهضت وارد مرحله‌ای جدی‌تر شد. شیخ حسن با هجرت به نیشابور، و حضور در شهرهای خوشان، ابیورد و مشهد، مردم را به قیام علیه مغولان فرا خواند (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۴۶/۱؛ حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۸۵/۱-۹۰). پس از دستگیری و حبس شیخ حسن، مریدانش در باشتین، از توابع بیهق، با کشتن پنج تن از ایلچیان مغول به رهبری عبدالرزاق، که از اکابرو محتشمان بود توانستند بیهق را نیز از دست ایلچیان خارج و نهضت سربداران را علنی سازند (فصیح، ۱۳۳۹: ۵۰/۳؛ حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۸۰/۱؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۶۰۰/۵-۶۰۲). سربداران نام عده‌ای از جنگجویان است که در قسمتی از خراسان حکومت می‌کردند و بعثت هدف قابل توجهی که داشتند به سربداران نامیده شدند. پس به جهت داشتن این مقصود و هدف آنها را سربدار می‌نامند و این حالت و خصیصه کاملاً عمومی این حادثه جویان برای پیروزی بود. آنها نه فقط قصد و هدف فتح و پیروزی داشتند، بلکه همچنین پس از مرگ ابوسعید ایلک خان هم خیلی فعالیت‌های نظامی داشتند ولی غیر از آن فعالیت زیاد مربوط به دراویش شیعه مذهب و اهل تشیع هم داشتند و بیشتر تشکیلات و کارهای ایشان در خلال طول مدت اختلاطی بود که بع از مرگ ابوسعید ایلک خان بوجود آمد و بیشتر این فعالیت‌ها و

تشکیلات پس از مرگ تیمور بزرگ سرچشمه گرفته و شروع به پیشرفت کرد و در عهد ایلک خان به نهایت قدرت و اوج عظمت رسید. کلمه و نام سربدار را ممکن است به ماجراجو ترجمه کرد و خواند میر مورخ مشهور از قول نخستین شخص و مؤسس سلسله سربداران یعنی عبدالرزاق چنین نقل کرده است که «بمردی سر خود را، بمرگ دادن هزار مرتبه بهتر که بنامردی بقتل رسیدن» و در تذکره دولتشاه چاپ براون ص ۲۷۵ هم یک روایت دیگری درباره اصل و ریشه نام سربدار دارد و بنا بقول این بطوطه سربداران را در عراق بنام شطار می‌نامند و در مغرب هم آنها را سکوره یا شکوره (پرنده‌ای از تیره مرغان شکاری و قوش) می‌نامیدند، پایتخت و مقر حکومت سربداران سبزوار در بیهق بوده است. اولین امیر سربدار عبدالرزاق پسر یکی از علویان بنام شهاب (یا تاج‌الدین فضل‌الله باشتینی بود و شتین قلعه دار قدیم شاه جوین بوده است. عبدالرزاق ابتدا در دستگاه ابوسعید ایلک خان (متوفی ۷۳۶-۱۳۳۵) بود و در آن جا کار ساده و معمولی داشت و بعد از طرف او به کرمان رفت. عبدالرزاق تما در آمد این ناحیه را صرف و خرج کرد اما مرگ و از بین رفتن شاهزاده مغولی موجب خوشبختی او گردید و به او اجازه پیشرفت و ترقی داد و پس از آن به دهکده باشتین که زادگاه او بود برگشت و در آنجا عده‌ای از مردم ناراضی و ماجراجو را دور خود جمع کرد و در قسمتی از خراسان حکومت مستقلی تشکیل داد بعد از آن با علاالدین محمد فریومدی وزیر جنگ کرد و اختلاف آنها زیاد شد و این وزیر در سال ۷۳۷ (۷ - ۱۳۳۶ میلادی) کشته شد و بعد از مرگ علاالدین هم عبدالرزاق شهر سبزوار را بتصرف در آورد (۷۳۸) و این شهر حکم پایگاهی را برای ماجراجویان دولت سربدار داشت. (شریعت ترشیزی، بی تا: ۱۴۸-۱۴۹)

بیان مسأله

درباره این مسئله به استناد گزارش‌های متفاوت می‌توان تصور کرد، که طبقات کم در آمد به علت افزایش مالیات و سوء استفاده خود سرانه ماموران دچار فقر و فاقه شدیدی شده بودند و در نتیجه وضعیتی بحرانی پیش آمده بود که زمینه یک حرکت را فراهم کرد. با این حال، خواه مامور حکومتی به دست عبدالرزاق به قتل رسیده باشد و خواه کسانی دیگر عامل قتل بوده باشند، بروز قیام در باشتین یک حادثه ثانوی است که بوسیله فردی یا افرادی که درصدد کسب قدرت بودند، از همان نقطه آغاز هدایت و اداره شده است. اینجا برای توضیح

بیشتر باید شرح حال عبدالرزاق بن فضل الله، نخستین امیر سربدار را مورد توجه قرار داد. او از جانب ایلخان ابو سعید مامور اخذ مالیات کرمان شده بود، پس از انجام ماموریت خود از پرداخت وجوه مقرر به دستگاه حکومت امتناع کرد، مقارن قتل ابوسعید به باشتین رفت و در راس قیام سربدار قرار گرفت. از کلیات این گزارش مشروح اما نه کامل بر می آید که عبدالرزاق با توجه به اغتشاش سیاسی پایان عهد ایلخانی قصد نافرمانی داشته است. فقدان گزارش کامل در باره اقدامات او قبل از شروع قیام و چگونگی سیر رویدادها و زمان دقیق آن، این مرحله از تاریخ سربداران را در ابهام قرار داده است. با این وصف از هسته تاریخی گزارشها بر می آید که وقوع قتل برای شروع جنبش تنها یک بهانه بوده است. این حرکت نه تصادفی بود و نه بی هدف، سیر مراحل آتی این گمان را تأیید می کند. در میان عوامل متعددی که به عنوان برانگیزنده قیام مطرح است، بیش از همه بر عامل اقتصادی تأکید می شود (پتروشفسکی، ص ۱۱، ۳۲؛ Smith، The History of the sarbadar، ۱۰۴-۱۰۳ p؛ Dynasty، ۱۰۴-۱۰۶ بر افزایش مالیات مالکان بزرگ تأکید می کند، آزند، یعقوب، قیام شیعی سربداران، تهران ۱۳۶۳، ص ۱۳۵-۱۳۶، نظرات اسمیت را تکرار می کند).

مسئله دیگری که در بروز جنبش سربداران مطرح است، بانیان اصلی آن است. در این باره در تحقیقات جدید بررسی های متفاوتی انجام گرفته است. پتروشفسکی اولین تحقیق مستقل در باره تاریخ سربداران را انجام داده است. مولف با وجود این که جزئیات متفاوت را در نظر گرفته، جنبه های مختلف رویدادها را بررسی کرده و در واقع راه را برای مطالعات آیندگان هموار کرده است، لیکن برخی او توصیف ها و تحلیل های او متکی به منابع نیست، و جنبه نظریه پردازی و عقیدتی دارد. مولف تأکید زیاد می کند که زمام نهضت بدست «قشرهای ژرفای اجتماع» بوده است و آن را به «خروج سازمان نیافته روستائیان» تعبیر می کند. بدین ترتیب روستائیان و طبقات پایین جامعه را بانیان حقیقی جنبش می داند. مولف در ادامه بررسی ناگزیر از اقدام مشترک طبقات پایین و مالکان متوسط صحبت می کند، و با طرح یک قاعده کلی که سراسر قرون وسطی را به قرن پانزدهم میلادی تشبیه کرده، استدلال می کند که روستائیان قیام کننده «عادات برنامه روشنی نداشتند» و با این که از میان روستائیان کسی برای رهبری بر

نمی‌خواست، لذا هدایت قیام باشتین نیز در دست یک فرد از اعیان زمین دار قرار گرفت. (همان: ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۴۶)

فرضیه‌های مطرح شده برای جنبش

- ۱- عوامل اقتصادی.
- ۲- افزایش مالیات.
- ۳- تضادهای شدید اجتماعی ناشی از فقر گروه‌های وسیع مردم.
- ۴- زمین داران متوسط و کوچک ایرانی، یعنی امثال سران سربدار در نظام اجتماعی و اقتصادی ایلخانان به مراتب پایین تری تنزل یافته و بسیاری از امتیازات خود را از دست داده بودند (بیانی، ۱۳۷۱: ۷۵۶).
- ۵- اختلاف مذهبی نیز به عنوان محرک قیام سربداران مدنظر قرار دارد. (پطروشفسکی، ۱۳۵۱، بیانی، ۱۳۷۱)
- ۶- اختلافات قومی و نژادی (پطروشفسکی، ۱۳۵۱)

پرسش‌های پژوهش

- ۱- مهم‌ترین ویژگی‌های سربداران چه بود ؟
- ۲- چه مسائلی در ظهور و بروز جنبش سربداران نقش داشته است ؟
- ۳- ویژگی‌های دولت سربداران چه بود ؟

روش تحقیق

روش تحقیق از نوع تحلیلی - توصیفی می‌باشد و با مرور، واکاوی و ترکیب سوابق مطالعاتی موجود در رابطه با موضوع انجام گرفته است. برای انجام مطالعه، از شیوه‌های مرسوم جمع‌آوری اطلاعات اعم از اسنادی و میدانی بهره‌گیری شده است. در بخش مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی مبانی نظری موضوع مورد بحث پرداخته شده است.

بدنه پژوهش

در بخش ویژگی‌های کلی دولت سربداران از شرکت مردم در دولت سربداران یاد می‌کند. از این که برخی امیران از فئودال‌های محلی و برخی از پیشه‌وران شهری بوده‌اند. از نقش روستائیان کمتر سخن گفته شده است، ولی پیداست که به آنها توجهی می‌شده است. سربازان دولت سربداری از پیشه‌وران و روستائیان بوده نه از صحرانشینان، آن چنان که در دولت مغول بوده است. این دولت، شکوه سلطنتی خاصی نداشته گرچه سکه و خطبه به نام امیران در کار بوده است. کاهش مالیات‌ها یکی از کارهای اساسی دولت سربداران بود. آخرین بخش انعکاس نهضت سربداران در مازندران، گیلان و کرمان است. مهم‌ترین آنها جنبش مرعشیان مازندران است که منبع اصلی، کتاب ظهیرالدین مرعشی است. در اینجا از عزالدین سوغندی شاگرد شیخ حسن جویری یاد شده که فرزندش سید قوام‌الدین دولت مرعشی را پایه‌گذاری کرد. اینها طرفدار طریقت حَسَنیه بودند. اینان دولت کیا افراسیاب چلاوی را سرنگون کردند و دولت خویش توسعه دادند. این دولت نیز که بر مذهب تشیع بود، به دست تیمور سرنگون شد. در گیلان نیز آل کیا که از سادات و شیوخ درویشان آن ناحیه بودند، به قدرت رسیدند. پهلوان اسد هم در کرمان قیامی مشابه سربداران به راه انداخت که توسط سپاه شاه شجاع سرکوب شد. حمله تیمور آب سردی بر همه این جنبش‌ها بود که البته پس از اندکی باز آغاز شد.

پطروشفسکی و منابع تاریخ سربداران پطروشفسکی یکی از نخستین تحقیقات را درباره یک جنبش اصیل ایرانی انجام داده و در این راه متحمل دشواری‌های فراوانی شده است. در پژوهشی با این مشخصات که بخش عمده منابع آن نسخه‌های خطی است، پدید آمدن چند خطای تاریخی، امری عادی است؛ مهم آن است که این تحقیق راه را برای پژوهش‌های بعدی که توسط مستشرقان اروپایی یا محققان ایرانی انجام شده، باز کرده است. پطروشفسکی از منابع اصلی مربوط به سربداران به خوبی بهره برده است. بیشتر این متون، در روزگاری که وی این مقاله را نوشته، به چاپ نرسیده بوده و وی از نسخه‌های خطی استفاده کرده است. یکی از متون مهم مورد استفاده وی زبده التواریخ حافظ ابرو است که متأسفانه نسخه خطی در دسترس پطروشفسکی ناقص بوده و رویدادهای تا سال ۷۴۶ را داشته است. (اسمیت، ۱۳۶۱: ۵-۱۵).

بعد از هجوم و استیلای مغولان، حیات علمی و مذهبی مسلمانان به شدت دچار افول گردید، دارالعلم‌ها و مدارس پررونق، به ویژه در پایتخت علمی و سیاسی جهان اسلام، یعنی بغداد که مرکزیت معنوی ممالک اسلامی را نیز داشت، از هم پاشیده شده، قبل از هجوم مغولان، وجود و رسوخ اخلاق اسلامی در بافت فرهنگی جامعه ایران، تاحدی به استحکام و انسجام جامعه کمک می‌کرد، اما بعد از حمله مغولان و قتل و غارت این قوم وحشی، فساد که در جامعه به راه افتاد، ارزش‌های اخلاقی را سست و کم رنگ و بسیاری از اقشار جامعه را دچار فساد نمود، به گفته ابن یمین (۷۴۹ ق)، بی ثباتی موقعیت طبقاتی خلق و دگرگونی‌های اجتماعی در آن روزگار بیداد می‌کرده است (آملی، ۱۳۴۸). غلام بارگی، زن بارگی، ارتشا و احتکار، از محصولات حملات بی حد و حصر مهاجمان بی فرهنگ بود (آژند، ۱۳۶۳: ۲۵-۲۷). این آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی، پیامد ضربه اقتصادی بود که بر اثر هجوم مغولان بر جهان اسلام وارد شد، چراکه به دنبال قتل عام صدها هزار نفری اهالی شهرها (همان، ۱۳۶۵)، که منجر به کاهش شدید جمعیت شد، مظاهر تمدن فرو ریخت؛ کشاورزی از بین رفت؛ تجارت بی رونق شد؛ صدها نوع مالیات و ضلع گردید و ظلم و ستم اقتصادی همه جا را فرا گرفت (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ ق)، گزارش منابع از اوضاع بلاد در آن دوران، خبر از عمق فاجعه می‌دهد (آملی، ۱۳۴۸)، تا جایی که میزان خسارت وارده را بیش از نود درصد و زمان لازم برای جبران این ویرانی را قرن‌ها دانسته اند، درچنین شرایطی، آمادگی لازم در جامعه برای خیزش و شورش علیه شرایط حاکم پیدا شده و انرژی نهفته فراوانی که در آن ذخیره شده، به صورت جنبشی بالفعل محقق می‌گردد، بنابراین، ندای انقلاب سربداران که از عدل و داد سخن می‌راند، با استقبال افکار عمومی مواجه شد و توده مردم ستم کشیده خواستار تغییر اوضاع شدند، به ویژه آنکه وجود دو عنصر مذهبی و سیاسی - نظامی در رهبری قیام، سبب شد، هرچه بیشتر این قیام به صورت یک حرکت مردمی نمایان شود و اقشار و طبقات مختلف به آن پیوسته و بر قدرت و کارایی آن افزوده شود (ابن بطوطه، ۱۴۱۷ ق) اصلاح ساخت فرهنگی گجامعه با حذف طبقات اجتماعی و برابری راعیان و رعیت، ایجاد تشکیلات نظامی و مالی منظم و اقدامات عمرانی و شهرسازی، از جمله اصلاحاتی بود که سربداران در آن زمان ایجاد نمودند. سربداران بنابر ملاحظاتی چون ترویج و تقویت تشیع، سبزواری را که از سده‌های نخستین اسلامی، از مراکز حضور پرشور شیعیان بود، پایتخت حکومت خود قرار دادند (خضری، بی تا) و در جهت

آبادانی هرچه بیشتر آن کوشش نمودند، از جمله اقداماتی که سربداران در زمینه عمران و آبادانی شهر سبزوار انجام دادند، ساختن انباری برای کالاهای تولیدی در عهد خواجه شمس‌الدین علی بود. استحکام و وسعت این انبار تا به جایی بوده است که شتران برای بارگیری و یا تخلیه بارهای سنگین خود، بر روی سقف آن می‌رفته اند (سمرقندی، بی تا). این اقدام علاوه بر آنکه به ایجاد اشتغال کمک می‌کرد و آثار سوء بیکاری و بزه‌های ناشی از آن را می‌کاست، در راستای افزایش تولید و حمایت از تولید کنندگان جامعه نیز بسیار مفید، و موجب کاهش فقر و تولید ثروت بوده است، وی همچنین دستور تعمیر مسجد جامع سبزوار را داد و در بازسازی مسجد، چنان ساختمان مرتفع و بلندی ساخت که ابن یمین با دیدن آن شگفت زده شده و قصیده‌ای را در تعریف بنای مسجد سرود (آژند، ۱۳۶۳).

نتیجه‌گیری

هرچند عوامل متعددی در بروز و ظهور قیام سربداران نقش داشته، اندیشه نزدیکی ظهور و بشارت‌های شیخ خلیفه و شیخ حسن جوری در باره قریب‌الوقوع بودن ظهور امام مهدی (ع) مهم‌ترین عامل انسجام سربداران و پیروزی آنان بر حاکمان مغول بوده است. معلوم نیست که اندیشه انتظار فرج در میان سربداران از همان آغاز با افراط همراه بوده باشد، ولی بی تردید درویش عزیز درباره آن به افراط گراییده و همین امر باعث ایجاد چالش بین او و خواجه علی موید شده که در نهایت این چالش نیز با کشته شدن درویش عزیز و پیروانش فروکش کرد. با این همه، پیروان فراری درویش که به حکومت فارس پناهنده شده بودند، راه او را ادامه دادند و حتی مدتی از نو، سبزوار را تصرف کردند. با وجود این، آنان نتوانستند به حیات خود ادامه دهند و در نهایت با ورود تیمور لنگ به خراسان و کشته شدن خواجه علی موید در سال ۷۸۸ قمری، حکومت سربداران به صورت رسمی از میان رفت. اما شاهان صفوی بعد از رسیدن به قدرت، اندیشه آنان یعنی تقریب تشیع و تصوف را برای رسیدن به قدرت و خلع ید از صوفیان برگرفتند و عامل مهمی در ایجاد حکومت پهناور و قدرت مند صفویه گردید. روشن است، شهرسازی و ایجاد آبادانی در رونق و افزایش قدرت اقتصادی که از عوامل گسترش تمدن است، تاثیر بسزایی دارد. از این روست که می‌توان اقدامات عمرانی سربداران در بازسازی و توسعه

شهرهای خراسان را از عوامل گسترش و پیشرفت تمدن در این منطقه دانست. به ویژه اینکه توجه ویژه این دولت به شهرهای شیعه نشین سبب گسترش تشیع نیز شد. مهم‌ترین ویژگی سربداران را می‌توان در پیوندی بین تشیع و تصوف، تنفر و انزجار از مغول‌ها، ساده زیستی حاکمان، نفوذ آیین فتوت در شاکله تشکیلاتی آن و تثبیت ایدئولوژی تشیع اثنی عشری خلاصه کرد.

منابع

۱. معین‌الدین نطنزی، (بی‌تا)، **منتخب التواریخ**، ص ۲۲۸.
۲. فصیح خوافی، احمد بن محمد (۱۳۳۹)، **مجمل فصیحی**، به کوشش محمود فرخ، مشهد، باستان
۳. ابوالفداء (۱۳۴۹) **تقویم البلدان**، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۴. بیهقی، ابوالحسن علی بن زید (۱۳۶۱)، **تاریخ بیهق**، به کوشش احمد بهمنیار، تهران، کتابفروشی فروغی.
۵. مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲)، **نزهت القلوب**، به اهتمام گی لرنج، تهران؛ دنیای کتاب.
۶. یاقوت حموی بعدادی (۱۹۹۵ م)، **معجم البلدان**. بیروت، دار صادر.
۷. حافظ ابر، عبدالله بن لطف الله (۱۳۷۰). **جغرافیای خراسان در تاریخ حافظ**، ابرو تصحیح و تعلیق غلامرضا ورهرام، تهران، موسسه اطلاعات.
۸. خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۸۰)، **حبیب السیر به اهتمام محمد دبیر سیاقی**، تهران، خیام.
۹. میرخواند، محمد بن خاوند شاه (۱۳۳۹)، **روضه الصا**، تهران، چاپ پیروز.
۱۰. سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۸۳). **مطلع سعدین و مجمع بحرین**، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۱. شریعت ترشیزی، جلال‌الدین (بی‌تا)، **سربداران**، نامه آستان قدس رضوی، ص ۱۴۸-۱۴۹.
۱۲. پطروشفسکی، ای، پ، (۱۳۵۱)، **نهضت سربداران خراسان**، (ترجمه فارسی کریم کشاورز) چاپ سوم، تهران.
۱۳. آژند، یعقوب، (۱۳۶۳)، **قیام شیعی سربداران**، تهران.
۱۴. ج. م. اسمیت، (۱۳۶۱) **خروج و عروج سربداران**، ترجمه یعقوب آژند، تهران، ص ۵، ۱۵.

۱۵. آملی، اولیاء الله (قرن ۸ ق) (۱۳۴۸)، تاریخ رویان، محقق مصحح منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۱۶. آژند، یعقوب (۱۳۶۳)، سربداران سمرقند، کیهان فرهنگی، ش ۸ آبان، ص ۲۵-۲۷.
۱۷. آژند، یعقوب (۱۳۶۵)، قیام سربداران، تهران، امیرکبیر (کتاب‌های شکوفه)، ج ۱.
۱۸. آقابزرگی تهرانی، (۱۴۰۸ق)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، قم، اسماعیلیان.
۱۹. ابن کثیر، ابولفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی (۷۷۴ م)، البدایه و النهایه، ۱۵ ج، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ / ۱۹۸۶ م.
۲۰. ابن یمین فریومدی، المیر فخرالدین محمود، دیوان اشعار ابن یمین فریومدی، به تصحیح و اهتمام حسینعلی باستانی راد، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی، ج ۲.
۲۱. خضری، تشیع در تاریخ، ص ۳۵۶
۲۲. دولت‌شاه سمرقندی، تذکره الشعراء، ص ۲۸۲.